



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

باسمه تعالی

اللهم صل على محمد و آل محمد

شماره: ۱۰۳۱۴۰

تاریخ: ۹۱/۶/۲۰

شماره: ۱۴۰

تاریخ: ۹۱/۲۰

حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی

رئیس محترم هیأت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوا

سلام علیکم؛

با احترام به استحضار می‌رساند؛ «طرح یک فوریتی تبدیل وضعیت مربیان حق التدریس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور به رسمی و پیمانی» که به دلیل ایراد شورای محترم نگهبان و مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی به مجلس شورای اسلامی اعاده گردیده بود پس از اصلاحاتی به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده و سپس برای ابلاغ به ریاست جمهوری ارسال گردیده است. این مصوبه مجلس با اصول متعددی از قانون اساسی مغایرت دارد:

۱- مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی:

«اصل هفکاد و پنجم- طرح های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان

میکندند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در

آن طریق جبران کاهش درآمد یا تامین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

مجلس شورای اسلامی برای رفع مغایرت این طرح با قانون اساسی، تبصره (۴) ماده واحده را به شرح زیر پیش‌بینی نموده

است:

«تبصره ۴- بار مالی اضافی ناشی از اجرای قانون از محل وجوه مربوط به حق التدریس مربیان موضوع ماده ۱۷ قانون

الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵ و همچنین دریافتی مربوط به آموزش

نیروی کار ایرانی تامین می‌شود.»

اما ماده (۱۷) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴ به این شرح می‌باشد:

«وزارتخانه های کشور، صنایع، بازرگانی، نفت، نیرو، مسکن و شهرسازی، تعاون، راه و ترابری، ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مهلا هستند از ممل اعتبارات مصوب خود و به منظور ارائه آموزش به شاغلین بخشهای تعاونی و خصوصی مرتبط با حرف و مشاغل تحت پوشش خود از طریق عقد قرارداد با سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور و جهاد دانشگاهی و سایر مؤسسات آموزش غیردولتی مجاز با هماهنگی سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور و پرداخت هزینه‌ها اقدام نمایند.»

در این ماده هیچ درآمد قطعی وجود ندارد تا قابل برنامه ریزی باشد زیرا اولاً تکلیفی برای وزارتخانه های مذکور جهت انعقاد قرارداد با سازمان آموزش فنی و حرفه ای وجود ندارد بلکه «جواز» و امکان انعقاد قرارداد «و حسب نیاز آموزشی» فراهم است ثانیاً چون بودجه آموزشی از محل اعتبارات مربوط بر اساس درآمد حاصله کل کشور می باشد باید امکان چنین تخصیص اعتباری را برای آموزش کارکنان فراهم آورد لذا این تحصیل درآمد برای سازمان فنی و حرفه ای تنها یک پیش بینی و احتمال است در حالی که پرداخت حقوق کارکنان و هزینه های ناشی از تغییر وضعیت آنان یک امر حتمی و مقدر است.

ثالثاً در حکم قانونی مذکور اجازه داده شده است که وزارتخانه های نام برده - غیر از سازمان آموزش فنی و حرفه ای - با جهاد دانشگاهی و سایر مؤسسات آموزش غیردولتی قرارداد منعقد نمایند. بنابراین از قبل امکان پیش بینی این امر که وجوه حاصل از انعقاد قرارداد مستقیم با سازمان چه میزان خواهد بود و چه تعداد از قراردادهای با سایر مؤسسات آموزشی یا جهاد دانشگاهی منعقد خواهد شد ممکن نیست.

حال سؤال این است که چگونه شورای محترم نگهبان برای چنین درآمد احتمالی که نه وجود آن، نه دریافت کننده آن، نه میزان آن معلوم است، مصوبه مجلس شورای اسلامی را که آشکارا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است تأیید می نماید! و دولت را در هر گونه برنامه ریزی برای تأمین نیروی انسانی و نحوه جذب و بکارگیری کارکنان خود و پرداخت حقوق و مزایای آنان دچار گرفتاری و اختلال می نماید و این تعداد از اشخاص ذینفع را در مقابل دولت قرار می دهد.

۲- مغایرت با اصول (۵۷، ۶۰ و ۱۲۶) قانون اساسی:

اصل (۶۰) قانون اساسی مقرر می دارد:

«اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و وزراء است»

سؤال این است که غرض از امور اجرایی کشور چیست؟ اگر قرار باشد مصداق روشن امور اجرایی کشور را معلوم کرد «امور اداری، استخدامی کارکنان دولت» آشکارترین مصداق آن است و چنانچه در اصل (۱۲۶) نیز به صراحت آمده است: «رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری، استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارند».

این وضع که نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای جذب، تغییر وضعیت کارکنان دولت مرتب طرحهایی را تقدیم نمایند (صرف نظر از بار مالی آن) مداخله مجلس در قوه مجریه و امور اجرایی کشور است و امکان مدیریت قوه مجریه را از رئیس جمهور و وزراء سلب می کند و از حیث دخالت در امور اجرایی (اداری و استخدامی) مغایر (اصل ۵۷) قانون اساسی و استقلال قوا از یکدیگر (اصل ۶۰) است.

۳- مغایرت با بند «۳» اصل (۹) قانون اساسی:

تعداد کارکنان دولت که در نوبت تغییر وضعیت بسر می برند بیشتر از تعداد مذکور در این مصوبه است بنابراین انتخاب مریبان حق التدریسی این سازمان از میان همه واجدین شرایط در انتظار تغییر وضعیت تبعیض بین کارکنان دولت بدون دلیل موجه است. اصولاً انتخاب افراد برای حق التدریس چگونه انجام شده است که مجلس برای آنان حق استخدام تصویب کرده است.

۴- مغایرت با قانون برنامه پنجم توسعه:

در ماده (۵۱) قانون برنامه پنجم توسعه آمده است:

«ماده ۵۱ - هرگونه به‌کارگیری نیروی انسانی رسمی و پیمانی، در دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون مدیریت خدمات

کشوری ممنوع است.»

و مطابق ماده (۵۷) قانون یادشده

«ماده ۵۷ - جذب نیروی انسانی به صورت رسمی یا پیمانی در قوه مجریه با رعایت سقف اعتبارات و مجوزهای

استخدامی به ترتیب با تشخیص و تأیید معاونت و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور موکول به

آزمون عمومی است.»

نیروی انسانی به صورت رسمی یا پیمانی در قوه مجریه با رعایت سقف اعتبارات و مجوزهای استخدامی به ترتیب با تشخیص و تأیید معاونت و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور موکول به آزمون عمومی است که ظاهراً در ماده واحده رعایت شرایط عمومی استخدام و ماده (۴۴) قانون مدیریت خدمات کشوری لحاظ شده است.

با توجه به مراتب فوق چون مریبان حق التدریس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای اصولاً به صورت حق التدریس که تمام وقت تلقی نمی‌شود در خدمت این سازمان می‌باشند بنابراین چنانچه در نظر باشد به صورت پیمانی و رسمی به خدمت پذیرفته شوند بر اساس مقررات سابق‌الذکر برنامه پنجم توسعه می‌توانند به خدمت پذیرفته شوند و در این زمینه نیاز به کسب مجوز قانونی نمی‌باشد ضمن اینکه طرح یادشده با مفاد قانون برنامه پنجم توسعه منافات داشته است.

با توجه به جمیع جهات چون مریبان حق التدریس بر اساس تخصصی که دارا می‌باشند به صورت حق التدریس نیاز سازمان فنی و حرفه‌ای را مرتفع می‌نمایند و از طرفی این افراد معمولاً در بخش خصوصی اشتغال دارند به خدمت‌پذیری و تبدیل وضعیت پیمانی و رسمی آنان توجیهی ندارد و چنانچه سازمان در نظر داشته باشد از مریبان مزبور به صورت دائم و به صورت پیمانی و رسمی استفاده نماید با انتشار آگهی و بر اساس مقررات عمومی استخدام و با رعایت مقررات مربوط می‌تواند اقدام نماید و نیازی به کسب مجوز استخدامی نمی‌باشد.

لذا خواهشمند است این وضع را در قانونگذاری کشور به یکی از طرق زیر حل و فصل فرمایید:

۱- اصدار این نظریه که قوانینی که بر اساس درآمدهای محتمل و غیرقابل پیش‌بینی توسط مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود برای دولت الزام‌آور نیست.

۲- مجلس محترم شورای اسلامی، از طرح قوانینی که خلاف اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد در صحن مجلس شورای اسلامی به جهت تضییع حقوق نمایندگان و سوگندی که به قانون اساسی یاد کرده‌اند خودداری نماید و شورای محترم نگهبان نیز در مواردی که منابع مالی غیرمحقق‌الحصول در طرح پیش‌بینی می‌شود رفع ایراد را نپذیرد مگر اینکه کارشناسان دولت فقدان بارمالی و یا امکان تأمین آن را تأیید نمایند.